

مؤدیان در گفت و گو با «ایران» از آخرین ترجمه خود در مورد طنز سیاه هاشک روایت می کند

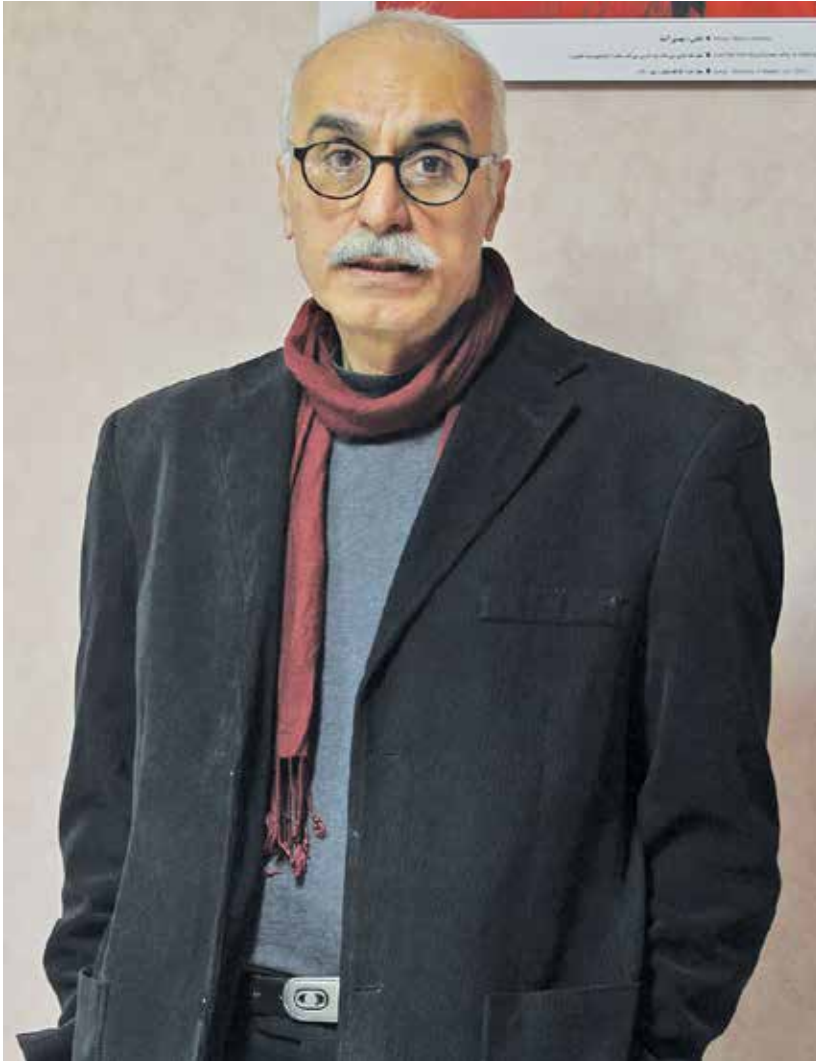
اسطوره زدایی داریوش از ارتش سرخ

گفت و گو

مریم شهبازی

روزنامه نگار

در میانه دو جنگ جهانی اول و دوم و دنیای پرتنش برآمده از سیاست، ادبیاتی برخاسته است که به واسطه طنز سیاه و نقد اجتماعی تند و تیزش، همچون آینه‌های روشن، زشتی‌ها و ناهنجاری‌ها را به تصویر می‌کشد. یاروسلاو هاشک، نویسنده جسور چک، با خلق رمان‌هایی مانند «ماجراهای من در ارتش سرخ» و «شوایک سرباز ساده‌دل»، مرزهای سنتی روایت را درنوردیده و جنبه‌های تاریک و روشن زندگی انسانی را نمایان ساخته است. داریوش مؤدبیان، کارگردان و بازیگر سینما و تئاتر که سال‌هاست در عرصه کتاب هم حضوری جدی دارد، در تازه‌ترین ترجمه خود سرعاً رمان «ماجراهای من در ارتش سرخ» رفته، کتابی که به همت انتشارات خزان روانه کتاب‌فروشی‌ها شده است. مؤدبیان در گفت‌وگوی پیش‌رو از هم‌آوایی بین زبان طنز هاشک و علائق شخصی‌اش می‌گوید؛ از انعکاس زمانه سیاسی و اجتماعی هاشک بر آثارش. در پهنه جهانی ادبیات، بخصوص در جغرافیای کشورهای عضو اتحاد جماهیرشوروی سابق، از یاروسلاو هاشک به عنوان نویسنده‌ای پیشگام و هم‌رده با فرانتس کافکا یاد می‌کنند که ردپای آثار و ساختار نوشتارش بر نوشته‌های بزرگانی همچون برتولت برشت هم دیده می‌شود.



عکس: آژانس عکس ایران

این رابطه نیز با تفاوت‌هایی روبه‌رو هستیم. در آن دوره چک با برخورداری سیاسی متعددی روبه‌رو بوده، در عین حال ملی‌گرایی نیز اهمیت زیادی است. ترجمه آن را ترجمه کرد. بعد از انقلاب و اوایل دهه شصت نیز ترجمه‌ای از سوی ایرج پرتشک‌زاد انجام شد. آخرین مرتبه هم کمال ظاهری ترجمه‌ای از آن را به مخاطبان عرضه کرد.

و خوب هاشاک هاشک هم هست! بله اصلاً هاشک بیش از همه با آن رمان چند جلدی شناخته می‌شود و خود شخصیت شوایک، شخصیت اصلی رمان، آن سرباز ساده و پاکدلی که در جنگ جهانی اول شرکت کرده است، سرنوشتی شبیه هاشک دارد. رمان چند جلدی شوایک در اصل روایتی از خاطرات شخصی خودش به شمار می‌آید. او حضور فعالی در جنگ جهانی اول داشته، حتی اسیر شده و به نقاط مختلفی از جمله روسیه رفته است.

رمان «ماجراهای من در ارتش سرخ» هم تحت تأثیر پیوستن هاشک به ارتش سرخ نوشته شده؟ بله، ولی تأثیر آن را بیش از آنکه در ترجمه‌ها دیده و خوب این شاخص‌ترین کارش است.

با وجود این هاشک بیشتر به مقاله‌ها و گزارش‌های سیاسی‌اش مشهور است! بله و متأسفانه برخی فراموش می‌کنند که او یک نویسنده شاخص در زمینه داستان کوتاه هم بوده است. البته گزارش نویسی و مقاله نویسی مطرحی نیز بوده است. قالب آنکه درهمه اینها قلم طنز او مشهود است؛ آن هم طنز سیاه.

هاشک و کافکا هر دو یک کشور و حتی در یک سال متولد شده‌اند و یک سال تفاوت هم می‌میرند! با وجود تفاوت‌هایی که میان مضامین آثار و حتی ساختار نوشتاری این دو نویسنده مشهود است، چرا هاشک را از نظر ادبی هم‌پایه کافکا خوانده‌اند؟ حتی طنزی که این دو به کار برده‌اند متفاوت است!

کافکا در محله و خانواده‌ای مرفه متولد می‌شود، درست برخلاف هاشک که خانواده‌ای فقیر و پرجمعیت داشته و تا آخر عمر نیز زندگی راحتی را تجربه نمی‌کند. طنز هر دو تلخ است، منتهی طنز کافکا به سمت فانزای‌های پیچیده و نمادین می‌رود، اما طنز هاشک، طنزی اجتماعی، سیاسی و برخاسته از شرایط روز است. داستان‌های هر دو برخاسته از تجربه‌های شخصی آنهاست. هرچند در

نام ژورفکا خلق کرده که در بسیاری از رمان‌های او حضور دارد و همین شخصیت است که مسخ می‌شود و در آن جریان‌ها می‌افتد. پروتو تاییی که هاشک خلق کرده تبدیل به الگویی شده که دیگران هم از آن گرفته‌برداری کرده‌اند. هرچند که در زندگی واقعی هم مصادیق زیادی از این شخصیت‌ها دیده می‌شود.

این همه تفاوت چرا این دورا یا یکدیگر مقایسه می‌کنند؟ خوب هر دو اینها، نویسندگان پیشروی زمانه خود و از داستان کوتاه‌نویسان مطرح هستند. هر دو نیز از طنز برای بیان مضامین خود بهره می‌گیرند، هرچند تفاوت‌هایی دارند. اما به هر حال وقتی بحث از ادبیات نوین چک، بخصوص ادبیات پرگای درمیان باشد، نمی‌توان نقش و اثرگذاری این دو نفر را نادیده گرفت. هر دو اینها تحت تأثیر نیکلای گوگول هستند، ولی یکی به سمت ذهنی‌گرایی و دیگری به سمت واقعیت‌های روز می‌رود.

یکسری از منتقدان از این رمان با عنوان یک سند تاریخی هم یاد کرده‌اند، بخصوص در بخش نخست کتاب که درباره خاطرات است شاهد درج اطلاعاتی و فرم‌های جنگی مختلفی هستیم؛ این گفته را چقدر درست می‌دانید؟

به نظر می‌رسد که این کتاب، بخصوص بخش خاطرات آن سندی تاریخی دارد. خصوصاً که در روسیه شوروی، نویسندگان حاصل تجربیات زیسته‌اش در دوره‌ای هستند که از اواخر قرن نوزدهم شروع شده و تا اوایل قرن بیستم ادامه پیدا می‌کند. در آن دوره تمایلات و علاقه‌مندی‌ها متفاوت است؛ اینجاست که تضاد باعث غم‌انگیزیک‌گروه و نامزدی در خواندگان ما!

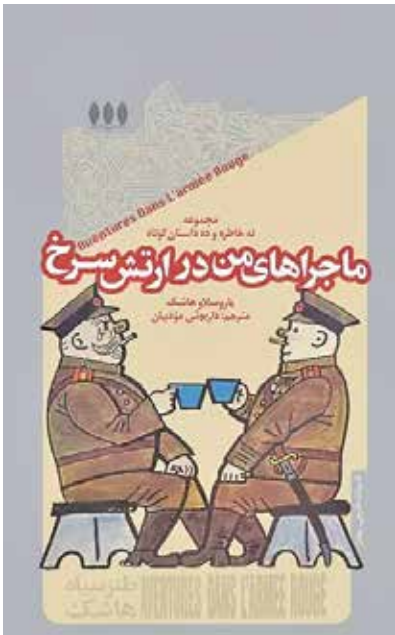
حجتی در داستانی که بحث داد و ستدهای سیاسی است هم نقد مستقیم او را می‌بینیم، آنجایی که برای رأی دادن به فردی، میان خود پول و حتی نوشیدنی زد و بدل می‌کنند. من اسم فردی که در این داستان قصد ورود به مجلس را دارم، جست‌وجو کردم و دیدم که فردی حقیقی است. حالا شاید داستان آن کاملاً مستند نباشد اما به هر حال یکی از کاندیداهای مجلس آن زمان بوده است

با هم تلافی می‌کنند. این مسأله نه فقط در سیاست، بلکه در ادبیات آن زمانه هم خود را نشان می‌دهد. اینها در تقابل با یکدیگر و حاصل برخورداری هستند که برخی از آنها اشاره شد. اینجاست که تضاد باعث رشد می‌شود. البته در چنین فضایی افرادی که هاشک هم از جمله‌شان بوده است، خیلی زود تغییر عقیده می‌دادند. بله یک دوره‌ای هاشک عقاید آناشینیستی داشته است، حتی یک حزب راه‌اندازی می‌کند. قصد شرکت در مجلس را هم داشته است که انتخاب نمی‌شود. زندگی

نه فقط گزارش‌ها، بلکه بسیاری از آن داستان‌ها را در مجلات و نشریات مختلف منتشر کرده است، بنابراین با توجه به عمر کوتاهش که بخشی از آن هم در جنگ گذشته، فرصت انتشار همه آنها را پیدا نمی‌کند. هاشک عمده آثارش را در فاصله سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۳ نوشته است، در کمتر از سه سال! اگر خواهان شناخت بیشتر آثار هاشک هستیم، باید آثار دیگرش را نیز بخوانیم.

قلم او در «ماجراهای من در ارتش سرخ» دربردارنده ۹ خاطره و ۱۰ داستان کوتاه است. البته داستان بازمهم آن را در ترجمه حذف کردم چراکه برای مخاطب ایرانی قابل درک نبود.

کتاب «ماجراهای من در ارتش سرخ» متشکل از دو بخش خاطرات و داستان‌های کوتاه است؛ در داستان‌های کوتاه هم آدم‌بووند؟ در پاسخ این سؤال بهتر است به



کتاب «ماجراهای من در ارتش سرخ» اثر یارک شوایک

شخصی‌اش نیز با ناکامی‌های مختلفی همراه بوده است. ظاهراً یک خودکشی ناموفق هم داشته است! بله، بارها تصمیم به خودکشی می‌گیرد، خودکشی را می‌توان بیماری قرن دانست که هاشک در آن می‌زیسته است. آقندر که برخی به آن تظاهر کرده و حتی مایه تفاخری دانسته‌اند. همه اینها در ادبیات و حتی شکل نگارش آثار آن دوره نمود دارد. در داستان اول همین کتاب که «قاتل در دادگاه» نام دارد و مشغول محاکمه قاتلی در دادگاه هستند؛ کلیت داستان به این اشاره دارد که مردم فراموش کرده‌اند مجرم این داستان چرا قاتل شده! مخصوص که قتل عمدی هم انجام نداده است، بلکه او در دفاع از فریدی که به قتل کشت به او محمله می‌کند، مهاجم را با لگد پرت می‌کند و او هم می‌میرد! دادگاه هم او را که مردی فقیر و گمنام است، مجرم معرفی می‌کند.

آقای مؤدبیان! تقی‌کی که نویسنده در این کتاب قائل شده، اینکه خاطرات را از داستان‌ها جدا کرده به نظرمی‌رسد یا تفاوت‌های ظنر برای بیان انتقادات باید است؟ اجتماعی و تفکرات حاکم بر آن رایی هیچ‌پرده‌پوشی یا کنایه‌ای به تمسخر می‌گیرد! بخصوص در داستان غم‌انگیزیک‌گروه و نامزدی در خواندگان ما!

حجتی در داستانی که بحث داد و ستدهای سیاسی است هم نقد مستقیم او را می‌بینیم، آنجایی که برای رأی دادن به فردی، میان خود پول و حتی نوشیدنی زد و بدل می‌کنند. من اسم فردی که در این داستان قصد ورود به مجلس را دارم، جست‌وجو کردم و دیدم که فردی حقیقی است. حالا شاید داستان آن کاملاً مستند نباشد اما به هر حال یکی از کاندیداهای مجلس آن زمان بوده است

با هم تلافی می‌کنند. این مسأله نه فقط در سیاست، بلکه در ادبیات آن زمانه هم خود را نشان می‌دهد. اینها در تقابل با یکدیگر و حاصل برخورداری هستند که برخی از آنها اشاره شد. اینجاست که تضاد باعث رشد می‌شود. البته در چنین فضایی افرادی که هاشک هم از جمله‌شان بوده است، خیلی زود تغییر عقیده می‌دادند. بله یک دوره‌ای هاشک عقاید آناشینیستی داشته است، حتی یک حزب راه‌اندازی می‌کند. قصد شرکت در مجلس را هم داشته است که انتخاب نمی‌شود. زندگی

هاشک در آثارش به دنبال روایت تاریخی است یا مهم‌ترین هدف او بحث انتقاد به بوروکراسی ارتش و تعمیم آن به کلیت نظام

فرهنگ



مطالعات هنرمندان در برگزاری رویدادها پیگیری می‌شود

نادره رضایی، معاون امور هنری در دیدار با محمدعلی طالبی استاندار کرمان، محسن روحی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی این استان و همچنین احمد صدیقی دبیر پیشین جشنواره موسیقی نوای، درباره ظرفیت‌های استان کرمان در برگزاری جشنواره نوای و دیگر رویدادهای هنری گفت‌وگو کردند.

در این دیدار، محمدعلی طالبی گفت: در این دوره نگاه تازه‌ای به فرهنگ و هنر خواهیم داشت و این حوزه ایجاد کنیم و مطالبات هنرمندان را در زمینه برگزاری رویدادها با همکاری معاونت هنری و حمایت صنایع استان پیگیری کنیم.

نادره رضایی معاون امور هنری نیز بیان کرد: در برنامه‌های پیش‌رو به دنبال تعامل با استان‌ها هستیم، زمانی این ارتباط قطع شده بود و می‌خواهیم با ظرفیت‌های ویژه هر استان و با همکاری صنایع و بهره‌گیری از بخش مسئولیت اجتماعی آنها و همین‌طور حمایت از هنر و فرهنگ با نظارت راهبردی و معاونت معاونت هنری به رونق فرهنگی هنر و ایجاد گردش اقتصادی کمک کنیم.

او ادامه داد: اگر ما اجرای رویدادها را به بخش صنفی واگذار کنیم معاونت به کار اصلی خودش که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی است، می‌پردازد. می‌خواهیم با رویکرد واگذاری جشنواره مأمورت اصلی خودمان را انجام دهیم. ظرفیت استان‌ها و امکان برگزاری با کیفیت جشنواره‌ها با امکانات دولتی و بخش صنعتی برای ما بسیار مهم است و می‌توانیم به توسعه فرهنگ و هنر کمک کنیم. **ایران**



نور به دنبال پیوند هنر و بورس است

امین آذربان روز یکشنبه ۸ دی در نشست خبری جشنواره نور که با حضور خبرنگاران فرهنگی و اقتصادی و بازار سرمایه در خانه اندیشه‌ورزان برگزار شد، اظهار کرد: «دومین جشنواره نور با افزودن بخش نمایشنامه نویسی، در سه رشته فیلم کوتاه، نمایشنامه و تبلیغات بصری خلاقانه برگزار می‌شود». او افزود: «هدف ما از برگزاری این جشنواره در دوران پرتلاطم و پریاهوهای اقتصادی فعلی این است که با آموزش سواد مالی و مفاهیم مالی از پیوند مناسب فرهنگ و بورس استفاده شود، با وجود این همان‌گونه که کافکا بر ادبیات جهانی اثرگذار بوده، آثار هاشک هم اینچنین بوده است. اما از آنجایی که عمده آثار هاشک غریب‌استانی است، ترجمه و معرفی چندانی از آنها در ایران انجام نشده است.

قصه ادامه ترجمه آثاری از این نویسنده چک دارید؟ اگر زمان آن را پیدا کنم بله. بخصوص که برنامه یک سال آینده‌ام تقریباً پر است و بخش عمده آن هم به ادامه جلدهای مجموعه طنزآوران جهان نمایش اختصاص دارد. برخی از جلدهای این مجموعه به دلیل نیاز که به کارهای پژوهشی دارد، وقت زیادی از من می‌گیرد. در اولین فرصتی که پیدا کنم به سراغ مابقی آثار او هم می‌روم، اما ترجیح خودم ترجمه آثاری از هاشک است که در گونه ادبی طنز سیاه قرار می‌گیرند. **ایران**